

# کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان

# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

اعلام داشته و این سیاست رهبری حزب کمونیست چین که حتی وحدت عمل برای کمک ب مردم ویتنام را رد میکند از جانب اکثریت قاطع نمایندگان احزاب محکوم شد.

بسیاری از نمایندگان معتقد به لزوم تشکیل جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری بودند و آنرا یکی از مسائل مبرم جنبش جهانی کمونیستی و کارگری میسرمدند.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز جزء بقیه در صفحه ۷

در این کنگره ۷۳ هیئت نمایندگی از طرف احزاب کمونیستی و کارگری بعنوان مهمان شرکت داشتند و موفقیت‌های بزرگ حزب کمونیست بلغارستان را تبریک گفتند و شش حزب برادر نیز که نتوانسته بودند بموقع حضور بهم‌رسانند تلگراف تبریک خود را ارسال داشته بودند. تنها حزب کمونیست چین و حزب کار البانی بدعوت رفقای بلغار جواب رد داده و از شرکت خود داری کرده بودند.

کلیه نمایندگان با شور فراوانی آمادگی حزب خود را برای کمک به مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام

در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶ در صوفیه کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان افتتاح یافت و پس از استماع گزارش مفصل رفیق ژبوکف، دبیر اول حزب و گزارش کمیسیون تقشیش و اجرای انتخابات ارگانهای حزبی در تاریخ ۱۹ نوامبر پایان پذیرفت.

## اعتبار بین المللی حزب توده ایران

تمام قوا از بسط دامنه فعالیت آن جلوگیری میکنند - در جنبش جهانی انقلابی از چه احترام عمیق و اعتبار بین المللی ارزنده ای برخوردار است.

نکته ای که در تلگراف بسیاری از احزاب خاطر نشان شده اینست که آنها جریان مبارزه حزب توده ایران را همواره با علاقه و دقت تمام تعقیب کرده اند و از دشواریهای فراوانی که حزب ما در اثر سرکوب دموکراسی و فقدان هر گونه آزادی سیاسی و اجتماعی در فعالیت خود با آن روبروست آگاهند و سرسختی و پیگیری خاصی را که حزب ما در چنین شرایطی برای ادامه مبارزه از خود نشان میدهد میستایند.

در نامه حزب کمونیست عراق بدین مناسبت نوشته شده است: «حزب توده برادر علی‌رغم وضع دشوار خود با قدرت و پیگیری مبارزه در پیشاپیش مردم ایران ادامه میدهد. قربانیهای فراوانی که حزب در این راه داده است نه فقط اراده و پیگیری و اعتقاد آنرا به هدف عادلانه مردم ایران سست نکرده بلکه آنرا تقویت نموده و بان استحکام و اعتماد بیشتری بخشیده است».

مبارزه حزب ما در دوران موجودیت ۲۵ ساله اش از فراز و نشیب بسیار گذشته بقیه در صفحه ۲

جریان برگزاری بیست و پنجمین سال تاسیس حزب توده ایران احزاب برادر ضمن تلگرافهای شادباش خود از مجاهدات انقلابی طولانی حزب ما با تجلیل و تحسین یاد کردند، برای مبارزاتی که حزب در طول یک ربع قرن به بهای قربانیهای سنگین و تحمل شدائد و محرومیت‌های فراوان علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه آرمانهای واقعی زحمتکشان ایران انجام داده است ارزش عالی قائل شدند و مراتب پشتیبانی و همبستگی عمیق خود را بامبارزه ای که اکنون حزب ما در شرایط بسیار دشوار بخاطر منافع حیاتی و تأمین سعادت واقعی توده‌های مردم بدان مشغولست ابراز داشتند.

احزاب برادر در تلگرافهای خود اهمیت تاریخی حزب ما و نقش برجسته ای را که نه فقط در پیشرفت جنبش انقلابی ایران بلکه در پیشرفت جنبش آزادیبخش ملی سراسر خاور میانه ایفا کرده است خاطر نشان کرده اند.

ارزیابی احزاب مارکسیست - لنینیست در باره حزب ما و مبارزات تاریخی آن و تجلیلی که از قهرمانیها و فداکاریهای اعضای آن کرده اند با وضوح تمام نشان میدهد که حزب توده ایران حتی در شرایط دشوار کنونی که مجبور است مبارزه خود را در اختفاء کامل انجام دهد و نیروهای ارتجاعی با

## نامه شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت شصتمین سال تولد رفیق برژنف

بدبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق لئونید ایلچ برژنف

رفیق عزیز لئونید ایلچ!

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران و کلیه اعضاء حزب بمناسبت شصتمین سال تولد شما شاد باش صمیمانه را تقدیم میداریم و برای شما کامیابیهای بزرگ در مبارزاتی که بر رأس حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین انجام میدهد، یعنی مبارزه بخاطر امر شریف ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی، مبارزه اصولی برای پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم، دفاع از اصول انترناسیونالیسم پرولتاری و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش کمونیستی و کارگری جهان خواستاریم.

## یادی از ۲۱ آذر

### و جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان

فئودالها و اعمال ارتجاع و امپریالیسم از جنگ‌باز خواست مردم است. اگر «نجاتی» انجام گرفته باشد نجات رژیم پوسیده ارتجاعی ایران از زوال است نه چیز دیگر.

حزب ما از همان آغاز پیدایش جنبش تا امروز تصریح کرد که جنبش دمکراتیک آذربایجان که بررهبری فرقه دموکرات آذربایجان و صدر آن شادروان بیله‌سوری پدید شد یک جنبش ضد فئودالی ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و مترقی بود. سران جنبش بارها دل‌بستگی خود را به حفظ تمامیت ارضی و استقلال تام و تمام ایران اعلام داشتند. آنها بارها گفتند که در چارچوب میهن واحد ما ایران خواستار حقوق فرهنگی و ملی خود هستند و مایلند که جنبش بقیه در صفحه ۷

ارتجاع ایران هر سال ۲۱ آذر ۱۳۲۵ را بافتخار کشتار چنگیزی غلطه آذربایجان و سرکوب جنبش دمکراتیک این سامان جشن میگیرد! در این روز جراید و رادیو دولتی سخنان پر لاف و کزاف خود را درباره آنکه شاه «منجی آذربایجان» از چنگ «توطئه تجزیه طلبان» است تکرار می‌کنند ولی برای مردم ایران ۲۱ آذر موجد خاطرات دیگری است: در این روز در آذربایجان نهضتی با خواستههای مترقی پدید آمد و پس از یکسال کار پر ثمر در همین روز این نهضت بدستور امپریالیسم و ارتجاع در خون غرق شد. خطری آذربایجان را تهدید نمی کرد تا کسی آنرا نجات دهد. اگر «نجاتی» بدست شاه، رژیم آوقیوم و دیگر عناصری از این نوع انجام گرفته باشد نجات

را بر دیگری مسلط سازد. قانون مدنی بر خلاف نص صریح قانون اساسی، زن را نه بعنوان عضو متساوی الحقوق جامعه و خانواده، بلکه بعنوان برده و اسیر مرد، از بسیاری از حقوق انسانی خود محروم نموده و برای مرد بعنوان «انسان ممتاز» حقوق بی حد و حصری در خانواده قائل شده است.

مثلا در فصل مربوط به ارث تصریح شده است که: پسر دو برابر دختر ارث میرد (ماده ۹۰۷). حصه کور از ارث دوبرابر اناث است (مواد ۹۲۰ - ۹۲۳ - ۹۲۴). مرد از تمام اموال زن ارث میرد اما زن فقط از این اموال منقول، از ابنیه و اشجار (ماده ۹۴۶) مال بقیه در صفحه ۸

قضائی بی اعتبار و فاقد ارزش قانونی است. بعنوان نمونه از قانون مدنی یاد میکنیم.

قانون مدنی ناقص  
قانون اساسی است

قانون مدنی که در بجهت قدرت رضاشاه باصطلاح «منجی زنان» تدوین و به تصویب رسیده است، در بخشی که مربوط به حقوق زن و مرد قوانین ارث، ازدواج، طلاق، ولایت، حضانت میشود با اصول قانون اساسی مغایرت تام دارد. اصل هشتم متمم قانون اساسی میگوید: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوقند» بنا بر مدلول این ماده، هیچ قانونی نباید بین افراد ملت تمایز قائل شود، یکی را بر دیگری مرجح دارد، یکی

## زنان و مادران!

جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنید

و آنرا به پیروزی برسانید!

و نه قوانین موضوعه بعدی بتوانند حقوق ملت را نقض نموده و میانی حکومت دموکراسی را متزلزل نمایند. بر این مبنا، اصول مصرحه در قانون اساسی بمنزله «قانون مادر» میباید پایه و اساس کلیه قوانین باشد و هر قانونی که بنحوی از انحاء با قانون اساسی در تعارض قرار گیرد و اصول آنرا نقض کند از نظر

۶۱ سال پیش هنگامیکه بر اثر مبارزات جانبازانه مردم در انقلاب مشروطیت، شاه مستبد وقت مجبور بامضاء قانون اساسی گردید، هدف آن بود که حقوق انسانی افراد و احاد مردم و حقوق و تکالیف ارگانهای منتخب مردم، بصورت قانون اساسی کشور درآید تا دیگر نه هوی و هوس فلان مستبد تخت نشین



# اعتبار بین المللی حزب توده ایران

و با کامیابها و ناکامیهای فراوان توأم بوده است. احزابی که در شرایطی شبیه شرایط ما مبارزه میکنند اهمیت تجارب حزب ما و استفاده از آنرا در کار انقلابی خویش تصریح کرده اند.

حزب کمونیست سودان در تلگراف تبریک خود نوشته است: « ۲۵ سال در زندگی احزاب دوران کوتاهی است. با اینکه در همین دوران کوتاه، شما طی آزمایشهای سخت اعتقاد خود را به راه مردم، وفاداری خود را به اصول مارکسیسم - لنینیسم و شجاعت و اراده تزلزل ناپذیر خود را با اثبات رسانده اید. اینک که ما در کار تبدیل خود یک حزب واقعاً توده ای انقلابی هستیم از جمله از تجارب شما استفاده میکنیم.»

اهمیت مبارزه انقلابی حزب توده ایران در پیشرفت جنبشهای انقلابی و آزادیبخش خاور نزدیک و میانه در ارزیابی بسیاری از احزاب برادر منعکس است. مثلاً در نامه تبریک حزب کمونیست ترکیه ضمن اشاره باین نکته گفته میشود: «رفقای ایرانی با کامیابیهای خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به کمونیستهای ترک نیز که در شرایط اختفاء عمیق و تضییقات شدید علیه همان دشمنان مبارزه میکنند الهام بخشیدند و موجب تشدید فعالیت سایر نیروهای آزادیخواه کشور ما گردیدند.»

البته احترام و اعتباری که حزب ما در نزد احزاب مارکسیست - لنینیست و کلبه انقلابیون جهان کسب کرده آسان و ارزان بدست نیامده است. این اعتبار بین المللی ره آورد مبارزات پیگیر است که حزب توده ایران در سراسر دوران حیات خویش بخاطر بهترین آرمانهای مردم ایران انجام داده است. در جریان این مبارزات صدها تن از بهترین فرزندان حزب بدست درخیمان شاه کشته شدند، هزاران تن از اعضا حزب بزرگان افتادند و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند، بهترین سالهای جوانی و عمر بسیاری از توده ایها در گوشه زندانها گذشت، هزاران تن از اعضا حزب انواع مصائب و محرومیتها را متحمل شده اند، هزاران تن از مجاهدین حزبی بجای وطن مجبور گردیده و از شرکت مستقیم در حیات اجتماعی کشور خویش محروم شده اند. ولی نه تیرباران، نه زجر و شکنجه، نه تبعید و زندان توانسته است مبارزه آشتی ناپذیر این حزب اصیل توده ای را که از اعماق مردم برخاسته و در راه منافع حیاتی آنان مجاهدت میورزد حتی یک روز متوقف نازد و روح انقلابی و شور مبارزه را در شای حزب خاموش کند.

مبارزات حزب توده ایران بعلت خصلت با انترناسیونالیستی آن در بسیاری از

عرصه ها با مبارزات سایر احزاب برادر وجه مشترک داشته و این احزاب برای این مبارزات اهمیت خاص قائلند.

حزب ما در ایران نخستین و یگانه حزبی بود که بلافاصله پس از تأسیس خود مبارزه دامنه داری را علیه فاشیسم آلمان و ایدئولوژی ضد انسانی آن آغاز نهاد و در تمام دوران جنگ جهانی دوم با نهایت سرسختی آنرا ادامه داد.

مبارزات حزب توده ایران علیه امپریالیسم انگلیس و عمال سرشناس آن و سپس علیه امپریالیسم آمریکا و توسعه طلبی روز افزون آن در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی که در آغاز توسط میسون ملیسیو انجام میگرفت از صفحات برجسته تاریخ جنبش انقلابی معاصر ایران است. در نتیجه این مبارزات چهره واقعی امپریالیسم انگلستان و آمریکا بمقاسی وسیع برای توده های زحمتکش آشکار شد و زمینه برای جنبش بزرگ ضد استعماری اواخر سالهای ۲۰ و اوایل سالهای ۳۰ فراهم گردید. بجزئیات میتوان گفت که بدون مجاهدات عظیم حزب توده ایران در زمینه بالا بردن شعور اجتماعی توده های خلق و مانوس ساختن آنها با اندیشه تشکیلی و همکاری در سازمانهای سیاسی و بدون شرکت فعال سازمانهای علنی و غیرعلنی این حزب ممکن نبود نهضت تاریخی توده های مردم در اوایل سالهای سی ام چنین دامنه عظیم و وسیعی بخود بگیرد. مکتب سیاسی حزب توده ایران لازم بود تا طبقات زحمتکش در آن سالها آمادگی لازم را برای یکبار عظیم ضد استعمار بدست آورند. بهوده نیست که حزب کمونیست هندوستان در نامه تبریک خود مینویسد: «حزب ما پیوسته کار و مبارزه حزب شما را با علاقه و تحسین دنبال نموده است. نقش مهم حزب شما در دوران جنگ و مبارزات ضد امپریالیستی شما پس از جنگ خاطر اش هنوز برای ما زنده است...»

حزب توده ایران پیوسته علیه نفوذتو کلتیالیستی امپریالیسم، جهت الغاء امتیازات نفت انحصارهای انگلیسی و امریکائی مبارزه کرده است. حزب شما در مبارزه برای ملی کردن نفت نقش عظیم ایفاء نموده است.»

حزب توده ایران در سراسر دوران حیات پر فراز و نشیب خود همواره مدافع آتشین جنبشهای انقلابی خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده است و بهمین جهت در خانواده مجاهدان جنبش آزادیبخش ملل تمام کشورها مقام شایسته دارد و از احترام و علاقه پرشور آنان برخوردار است.

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب ما مینویسد: «حزب توده ایران در ۲۵ سال گذشته مبارزه قهرمانانه مردم ایران را علیه استعمار و استبداد سلطنتی محافل داخلی که با امپریالیستهای امریکا و انگلیس در توطئه اند و در راه دفاع از استقلال ملی، دموکراسی، آزادی و تأمین رفاه زحمتکشان ایران با پیگیری رهبری کرده است... حزب زحمتکشان ویتنام از مبارزه دلاورانه شما با شور و هیجان تمام پشتیبانی میکند. ما در یکبار کتونی خود علیه تجاوز تیهکارانه امپریالیستهای امریکا پیوسته از توافق روز افزون و حمایت وسیع احزاب برادر و خلفهای سراسر جهان و از جمله حزب توده ایران و طبقه کارگر و مردم ایران برخورداریم و بدینوسیله از حزب شما و طبقه کارگر و مردم ایران بخاطر این حمایت صمیمانه سپاسگزاریم.»

این ارزیابی گرانبهای حزب قهرمان زحمتکشان ویتنام بیشک مایه سربلندی خلقی است که حزب توده ایران را بحق صدیقترین و پیگیرترین مدافع آرمانهای حیاتی خویش میشمارد.

حزب ما پشتیبانی مجدانه از سیاست صلح دوستانه کشورهای سوسیالیستی، پشتیبانی فعال از مبارزات تاریخی دوران ساز حزب بزرگ لنین، حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر را در کشورهای سوسیالیستی از وظایف خود می شمارد و کامیابیهای این کشورها و نیرومندی هر چه بیشتر آنها را وثیقه مطمئن تکامل جنبشهای مترقی و ترقی و تعالی اجتماعی در سایر کشورهای جهان و از جمله در همین ما ایران میداند.

حزب توده ایران تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی را مهمترین شرط پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم متجاوز امریکا میشمارد و بهمین جهت در چارچوب امکانات محدود خود بانام قوا در راه تحکیم وحدت این جنبش بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و علیه هر گونه فعالیت تفرقه جویانه و انشعابگرانه در جنبش مبارزه میکند. مجاهدات پیگیر حزب ما در راه تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم یکی دیگر از عواملی است که اعتبار بین المللی آنرا در نزد احزاب برادر بالا برده است. احزاب برادر در نامه های تبریک خود برای تلاشهای حزب توده ایران در این زمینه ارزشی عالی قائل شده اند. در تلگراف حزب کمونیست بلغارستان گفته شده است: «کمونیستهای بلغارستان برای وفاداری حزب توده ایران با اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برای مبارزه آشتی ناپذیری که در شرایط کار مخفی علیه انواع انحرافات از این اصول انجام میدهد ارزش عالی قائل هستند.»

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان در نامه شادباش خود پس از ذکر این نکته که: «حزب توده ایران با مبارزه پیگیر خود در راه آزادی ملت ایران از قید تسلط انحصارات خارجی و ارتجاع ایران به یک حزب واقعی ملی و به پرچمدار مبارزه انقلابی

ملت ایران مبدل شده است» مینویسد: «حزب سوسیالیست متحده آلمان و حزب توده ایران همراه با سایر احزاب مارکسیست - لنینیست سراسر جهان برای تحکیم وحدت و همپیوستگی جنبش جهانی کمونیستی بر اساس اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و برای اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی میکوشند.»

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در نامه تبریک خود نوشته است: «ما به کوششهایی که شما برای حفظ پاکیزگی اندیشه های کمونیستی و برای تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی مینول میدارید ارج فراوان میگذاریم.»

سایر احزاب برادر نیز برای مجاهدات حزب ما در این زمینه همین ارزش عالی را قائل شده اند.

پیگیری و ایستادگی حزب توده ایران در مبارزه بخاطر هدفهای اساسی و آرمانهای حیاتی مردم، وفاداری آن با اصول مارکسیسم - لنینیسم و خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن علاوه بر عشق و علاقه و اعتماد توده های مردم اعتبار بین المللی گرانبهایی را برای حزب توده ایران تأمین کرده است. جمع این دو عامل است که حزب توده ایران را علیرغم محدود بودن موقت دامنه فعالیت آن بعلت کار و فعالیت در شرایط اختفاء کامل و علیرغم برخی نقائص و اشتباهات، همچنان بعنوان بزرگترین و اصیل ترین حزب سیاسی کشور محفوظ نگاهداشته است. ما هیچ حزب سیاسی دیگری را در ایران سراغ نداریم که از چنین احترام و اعتمادی در میان مردم و از چنین اعتباری در جنبش عظیم انقلابی جهان معاصر برخوردار باشد.

هیچ نیروی سیاسی واقعاً ملی و میهن پرست که به سر نوشت جنبش اجتماعی ایران علاقمند باشد نمیتواند و حق ندارد نیروئی چون حزب توده ایران را نادیده انگارد. خود داری از همکاری با چنین نیروئی جز زیان هیچ نتیجه ای برای سازش ملی و مترقی کشور در پی نخواهد داشت.

حزب توده ایران از نیروی اعتماد و علاقه مردم به خود و از اعتبار بین المللی خود همواره برای پیشرفت جنبش انقلابی کشور و کمک به نیروها و عناصر واقعاً ملی و مترقی استفاده کرده و خواهد کرد.

## خوانندگان عزیز

### توجه فرمائید!

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو پیک ایران، در ساعات پخش رادیو پشتر زیر تغییر داده شده است:

رادیو پیک ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی، گفتار بزبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۷ تا ۳۰ دقیقه تا ۷ برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ تا ۷ و ۵۰ دقیقه برنامه فارسی پخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میدهد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو پیک ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.



# هدف های استراتژیک و وظایف مبهم حزب ما

## ۱- چهار عرصه بررسی و تحلیل

در برابر حزب طبقه کارگر، حزب طراز نوینی که به جهان بینی علمی پر توان مارکسیسم - لنینیسم مجهز است چهار عرصه مستمر بررسی و تحلیل وجود دارد و با مطالعه دائمی این چهار عرصه، بر آورد وضع، ارزیابی پدیده ها، دیدن گرایشها و بیرون کشیدن وظایف استراتژیک و تاکتیکی خود از این تحلیل، حزب قادر است مشی خود را دائما بشکل واقع بینانه ای تنظیم کند، دچار انحرافها، جذبه های غلط، سردرگمها، و ابهام ها نشود و درک سالم، دید سالم و لذا زمینه سالم عمل داشته باشد.

این يك تلاش تئوریک دائمی و مهم و بفرنجی است که باید از طرف حزب طبقه کارگر انجام گیرد و مسئله انطباق خلاق اصول مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ویژه هر کشور جز این نیست.

این چهار عرصه مستمر بررسی و تحلیل عبارتست از: جهان، کشور، جنبش و حزب. در همه این عرصه های چهار گانه واقعیت متحرک و متنوع در حال تغییر و تحول است.

بررسیها، تحلیل ها و استنتاجها در برخی نکات خود کهنه میشود و لازم است بررسیها و تحلیل و استنتاجهای تازه تری جانشین آنها گردند. البته این عمل تحلیلی و تعمیمی تنها برای تدارک تئوری انطباقی حزب است. و پس از آن مرحله بسیار بفرنج و دشوار عمل و مبارزه انقلابی فرا میرسد

و در این مرحله است که صحت و سقم و یا باصلاح عیار تئوری ها و نظریات، شعارها و رهنمودها روشن میگردد، در این مرحله است که حزب میتواند جوهر واقعی خود را نشان دهد و ثابت کند که آیا باجرا آنچه که میگوید لایق است یا نه. سخن ما در این مقاله عجلاناً معطوف مرحله اول یعنی مرحله تعمیم و انطباق تئوریک است.

حزب توده ایران طی سالهای اخیر تلاشهای مکرر و متعدد برای روشن کردن خط مشی خود در مسائل بین المللی، در مسائل استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر در مرحله انقلاب دمکراتیک ملی، در مسائل مربوط به جبهه واحد و وحدت عمل نیروهای ملی و دمکراتیک، در مسائل مربوط به ساختمان حزب و شیوه های کار او در شرایط امروزی و اشکال مختلف مبارزه در این شرایط، انجام داده ولی ادعای آنکه این کوشش موفق شده است کلیه مسائل را بدرستی و یا بشکل نهائی حل کند، ناچار نمیتواند ادعای درستی باشد. هنوز باید تلاش منظم و جدی بسیاری انجام گیرد تا ارزیابی صحیح در چهار عرصه مورد بحث به نتایج منطبق برسد و استراتژی و تاکتیک حزب، وظایف

حزب در هر عرصه ای بدرستی روشن شود. بهترین راه حل این عمل توسل به مشورت جمعی، توسل به خرد جمعی است. عصر پیشوایان منفرد در دوران ما گذشته است. مسائل بقدری ذوجوانب و بفرنج است که درک و هضم و تحلیل آنها و استنتاج از آنها باید به يك کار مستمر جمعی بدل گردد.

حزب بهمین مناسبت از همه رفقای حزبی خواسته است نظریات انتقادی و اصلاحی و تکمیلی خود را درباره ترهای ۲۰-۲۵-مین سال حزب که در آن یکسلسله مسائل استراتژی و تاکتیک و ارزیابی وضع کنونی ایران تشریح شده است بیان دارند. ما اینک بیکار دیگر این خواهش از رفقای حزبی را تکرار میکنیم.

شایان تصریح است که تنظیم مشی حزب در عرصه های چهار گانه که باید با شور جمعی و باتکاء خرد جمعی انجام گیرد نیازمند محیط درک متقابل، کمک متقابل فکری، انتقاد خلاق، بی دریغ بودن در عرضه داشت پیشنهادها و ابتکارها و تصمیم های تازه است.

و نیز باید توجه داشت که در انتقاد از اسناد و مقالات تحلیلی در درجه اول، توجه باید معطوف سمت و ماهیت تحلیل شود نه این یا آن لفظ، این یا آن عبارت و فرمولبندی نارسا که احتراز از آنها عملاً دشوار است. این بدان معنی نیست که انتقاد از اصطلاحات و عبارات نباید جائی داشته باشد، بلکه بدان معنی است که آنرا باید (البته جز در موارد استثنائی) در درجه دوم توجه قرار داد.

پس از انتشار ترهای ۲۰-۲۵-مین سال حزب، رهبری حزب و ارگانهای کار ایدئولوژیک به تلاش خود برای روشن کردن مسائل استراتژی و تاکتیک حزب در شرایط کنونی ادامه دادند و سودمند شمرند که بویژه مسائل مربوط به وظایف مبهم و تاکتیکی حزب و رابطه آن با خط مشی استراتژیکی، بر آورد پدیده های تازه ای که در کار رژیم دیده میشود، روشن کردن اشکال مبارزه را دنبال کنند. مقاله حاضر که آن نیز تنها بعنوان يك کوشش برای حل مسائل مطروحه نگاشته شده، در این زمینه است. بدیهی است که ما از همه رفقای که تلاش حزب را برای روشن ساختن وظایف خود با دقت دنبال میکنند توقع داریم نه فقط در مورد ترهای ۲۰-۲۵-مین سال حزب، بلکه در باره این قبیل مقالات که در مردم و دنیا انتشار یافته و خواهد یافت نظر انتقادی، اصلاحی، تکمیلی خود را بیان دارند. این وظیفه حزبی و انقلابی آنهاست و بسود مبارزه ایست که آنها در آن شریکند. مسئله بسیار مهم و در عین حال دقیق و بفرنج، یافتن تناسب صحیح بین هدف های استراتژیک و وظایف تاکتیک، محاسبه واقعیات و هدفهای

انقلابی، بین استواری اصولی و نرمش عملی است. اگر در حل این مسئله چپ روی یا راست روی شود، تناسب صحیح (که خود در جریان عمل در حال حرکت و تغییر است) بدست نیامده است. لذا مسلماً نظریاتی که برای «حل» مسائل بیان میشود باید با نهایت دقت مورد بررسی قرار گیرد تا خش ها و گرایشهای انحرافی در آن راه نیابد یا بموقع اصلاح شود. کسی که می اندیشد و عمل میکند اشتباه میکند. اشتباه عیب نیست، لجاج در اشتباه عیب است. اگر همه این اسالیب لنینی در مشی و اصلاح آن مراعات گردد، میتوان بدون تضادهای مضر وظیفه مقرر را بسرانجام رساند.

## ۲- زبده ای از تحلیل اجتماعی و سیاسی حزب ما

چنانکه گفتیم گفتم حزب توده ایران در يك سلسله اسناد خود از بلنوم یازدهم کمیته مرکزی بعد کوشید بتدریج خط مشی سیاسی و تبلیغاتی خود را روشن و منقح سازد و این خط مشی را هم از مشی سکتاریستی و ماجراجویانه (که مایل است هدف های استراتژیک انقلاب را بدون وجود شرایط ضرور ذهنی و عینی آن و تنها باتکاء اراده و احساسات پشاهنگان علمی گرداند) هم از مشی اپورتونیستی و رفورمیستی (که خواستار دمساز شدن با وضع، انصراف از خواست تحول بنیادی جامعه و بسنده کردن به ایجاد تغییرات کم دامنه در چهارچوب رژیم موجود است) مجزا کند و متمایز نماید.

تلاش حزب در این زمینه اکنون به نتایج روشن تری رسیده است که میتوان آنرا در نکات زیرین خلاصه کرد:

انقلاب ایران در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک یا به بیان دیگر انقلاب دموکراتیک طراز نوینی است که باید در يك کشور کم رشد و دچار وابستگی بامپریالیسم تحقق یابد. هدف این انقلاب ایجاد يك حکومت ملی دموکراتیک است، حکومتی که از جهت سیاسی در بالاترین شکل خود اتحاد نیروهای دموکراتیک و ملی برهبری پرولتاریاست و از جهت اقتصادی راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش میگیرد و جاده سیر بسوی سوسیالیسم را هموار میسازد.

رسالت تاریخی پرولتاریا و حزب اوست که برای احراز سرکردگی در این انقلاب بکوشد ولی روشن است که این امر تنها به خواست وی مربوط نیست. برای تحقق انقلاب ایران شرایط عینی (وضع انقلابی) و شرایط ذهنی (وجود حزب باندازه کافی آماده و مجهز طبقه کارگر و اتحاد نیروهای تحول طلب) لازم است. بدون وجود این شرایط عینی و ذهنی طرح شعار استراتژیک بمشابه يك شعار مبهم و يك وظیفه روز يك طرح انتزاعی و نادرست است. ماهیت این انقلاب انتقال قدرت از دست طبقات ارتجاعی بدست طبقات انقلابی است و اما شکل تحقق این انقلاب میتواند بر حسب وضع یعنی بر حسب وجود یا فقدان دموکراسی در جامعه، مسالمت آمیز یا قهر آمیز باشد. اگر شرایط عینی و ذهنی انقلاب فراهم و در عین حال طرق مبارزه دموکراتیک و تحول مسالمت آمیز مانند امروز

مسدود باشد، ناچار نیروهای تحول طلب راه دیگری ندارند جز آنکه بشیوه قهر آمیز انقلاب متوسل شوند. تمام این نکات بویژه در يك مقطع استراتژیک مطرح است. در شرایط کنونی علیرغم وجود ناخرسندی همگانی و منفرد بودن شاه و رژیم او در افکار عمومی، هنوز شرایط عینی انقلاب در ایران فراهم نیست یعنی وضع انقلابی بمعنای علمی این کلمه وجود ندارد و شرایط ذهنی نیز دارای وضع غیر مساعدی است - یعنی حزب طبقه کارگر فاقد سازمان کافی و محکم است و در میان نیروهای تحول طلب وحدت عمل حکمروا نیست. ولذا طرح هدفهای استراتژیک بدون وجود شرایط ضرور و بدون داشتن تدارک سازمانی لازم بعنوان هدف مبهم نه فقط سودی نمیرساند، بلکه موجب اتلاف انرژی و نیروی انقلابی است و انقلابیون را يك گروه جدا شده از واقعیت بدل میسازد. برخی، باتکاء نقل قول از ماوتسه دون استدلال میکنند که گویا خود مقاومت مسلحانه و جنگ پارتیزانی قادر است شرایط انقلابی را در جامعه پدید آورد و اینکه قیام مسلح تنها شکل نهائی و نقطه اوج يك جنبش مقاومت مسلحانه طولانی است و لذا میتوان بدون وجود وضع انقلابی و پس از تأمین تدارک معین سازمانی دست بعمل مسلحانه زد. آنچه که مسلم است کلاسکهای مارکسیستی مسئله تحول انقلابی را بدین ترتیب مطرح نکرده اند. حزب با حفظ ایمان و اعتقاد بی خلل بضرورت انقلاب اجتماعی و اینکه در اثر تراکم تضادهای رژیم، شرایط این انقلاب در آینده فسخ خواهد یافت بر آنست که آنچه در شرایط کنونی مطرح است مبارزه در راه شعارهای مبهم و تاکتیکی است که میتواند راه نيل هدفهای استراتژیک را هموار سازد. مبارزه در راه صلح و استقلال ملی، در راه آزادیها و حقوق دموکراتیک، برای ترقی و رفاه و کوشش برای بسط و تعمیق رفورمها، واداشتن رژیم بعقب نشینی های تازه بتازه در همه جهات - چنین است سمت های اساسی مبارزه در حال حاضر. اگر مطلق کردن شعار های استراتژیک بدون توجه بوضع نیرو های انقلابی، بدون توجه به آمادگی زمینه اجتماعی يك عمل سکتاریستی و چپ روانه است، مطلق کردن شعار های تاکتیکی و فراموش کردن هدفهای استراتژیک، بسنده کردن بمبارزات کم دامنه در راه این یا آن هدف مبهم بدون داشتن دورنمای انقلابی و تدارک فعال انقلاب نیز راست روی و تسلیم طلبی است. ولی توجه بوظایف مبهم و مشخص جامعه، جنبش رهایی بخش و حزب پشاهنگ برای نيل بشرايط مساعد تر، بقصد هموار کردن راه تحول انقلابی جامعه يك سیاست انقلابی صحیح و واقع بینانه است. چنانکه گفتیم حفظ تناسب صحیح دیالکتیک بین هدفهای استراتژیک و تاکتیک وظیفه ایست دشوار ولی بی نهایت ضرور.

حزب ما طبق تحلیل علمی و بر حسب تجارب سیاسی سالهای اخیر گام بگام باین نتیجه صحیح نزدیک شده است. در عین حال بقیه در صفحه ۴



# هدف های استراتژیک و وظایف مبرم حزب ما

حزب معتقد است که تاریخ پر از چرخشهای سریع و مستعد ایجاد شرایط غیرمترقب است. مشی سیاسی حزب باید بتواند چرخشها و دگرگونیها را همیشه بحساب آورد و از همه امکانات واقعی نه پنداری برای تسریع تحول جامعه استفاده کند. یک رهبری علمی نه فقط بر محاسبه «امکانات» بلکه بر محاسبه «احتمالات» دور و نزدیک نیز مبتنی است.

### ۳- شعارهای مادر شرایط کنونی

یکی از اسناد مهمی که در آن مسائل استراتژیک و تاکتیکی انقلاب ایران مطرح گردیده است تزهائی است که بوروی کمیته مرکزی بمناسبت ۲۵ مین سالگرد حزب توده ایران نشر داده است.

اخیراً رهبری حزب در رهنمودهایی که برای از گانهائی تبلیغاتی تصویب کرده، شعارهای مبرم و تاکتیکی را مشخص نموده است. مجموع این شعارها میتواند نوعی «برنامه حد اقل» حزب در شرایط کنونی قرار گیرد. حزب این شعارها را در مقابل نیروهای ملی و دموکراتیک بعنوان پایه وحدت عمل و بیلاتفرم مشترک مبارزه در اوضاع و احوال امروزی، مطرح مسازد و بر آنست که مبارزه مردم بویژه باید گرد این شعارها سازمان یابد.

شعارهای مبرم و تاکتیکی حزب را برای شرایط کنونی مبارزه میتوان در ذیل عناوین زیرین تلخیص کرد:

### الف - در راه صلح و استقلال

شعارهای مشخص ما در این زمینه چنین است: مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو، لغو قرارداد دو جانبه ایران و امریکا و الغاء قانون ننگین کاپیتولاسیون و اخراج مستشاران خارجی و مبارزه علیه انعقاد «پیمان اسلامی»، مبارزه برای اتخاذ سیاست بیطرفی، مبارزه برای بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و ملی، مبارزه در راه حقوق حقه ایران در صنایع نفت، مبارزه برای تأمین همبستگی ایران و جنبشهای مترقی و ملی کشورهای عربی و حل مسائل مورد اختلاف با کشورهای ملی و مترقی عرب از طریق مذاکره، مبارزه علیه سیاست ورشکستگی آور «درهای باز» و بسود اتخاذ یک سیاست بازرگانی سالم، مبارزه علیه فعالیت تاراجگرانه مؤسسات و سرمایههای امپریالیستی در ایران، مبارزه در راه اجراء یک سیاست صلح آمیز در جهان و در خاور میانه و افشاء سیاستهای حادثه جویانه و جاه طلبانه رژیم در این منطقه.

### ب - در راه آزادیها و حقوق دمکراتیک

شعارهای مشخص ما در این زمینه چنین است: مبارزه در راه علنی شدن کلیه

توجه پدید میشود. این امر نیز دارای همان علل عینی است که در مورد اختلاف هیئت حاکمه با امپریالیسم ذکر کرده ایم. در کلیه این موارد وظیفه ماست که اولاً این اختلافات را بدرستی درک و ارزیابی کنیم و ثانیاً از آنها استفاده کنیم و آنها را عمیقتر سازیم و بدین ترتیب روزه هائی برای بسط بیشتر نهضت مردم فراهم آوریم. لنین تصریح میکند که اختلاف در اردو گاه خصم از جهت استراتژیک بی اهمیت است ولی از جهت تاکتیکی شایان توجه است. لنین توصیه میکند که از این اختلافات برای هدفهای تاکتیکی استفاده شود.

در اختلافات ما بین هیئت حاکمه از طرفی و امپریالیسم از طرف دیگر، طرف ضریب اساسی مبارزه ما باید متوجه امپریالیسم باشد. در اختلافهای داخلی هیئت حاکمه باید ضریب اساسی متوجه آن افراد و گروههای هیئت حاکمه شود که از شعارها و روشهای ارتجاعی تری دفاع میکنند. در عین حال باید در همه موارد کوشید تا هیچگونه پندار غلط و گمراهی آوری برای مردم پدید نشود و وجه مشترک کلیه گروههای هیئت حاکمه، وجه مشترک هیئت حاکمه و امپریالیسم و جنبه ضد خلقی آنها بر مردم روشن گردد و مبارزه مردم برای هدفهای دورتر حزب یعنی هدفهای استراتژیک وی بسیج شود. تجارب حزب ما نشان میدهد که در امتیختن هر دو این وظایف کاملاً عملی است.

ما وظیفه داریم که در تحلیل وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور دید و برخورد واقع بینانه داشته باشیم یعنی بدون بررسی فاکت ها و کسب اطلاع همه جانبه حکمی صادر نکنیم تا خود را از خطر ذهنی گری و استغراق و جنبه های غلط چاپ و راست محفوظ نگاه داریم. باید نه فقط انتقاد اجتماعی ما واقع بینانه و مستدل باشد، بلکه باید همیشه بتوانیم الترناتیف خود را در باره هر موضوع مشخصی ارائه دهیم تا سخن ما در نظر مردم منفی بافی صرف بنظر نرسد و آنها را برای نیل به آماج مشخصی بسیج نماید.

از آن گذشته روش ما و تبلیغات ما باید نه فقط بصحت و کارائی محتوی خویش توجه کنند، بلکه از اتخاذ راه و روش صرفاً و انحصاراً احساسی و فاقد استدلال مقنع احتراز ورزد. تردیدی نیست که بکار بردن روش احساسی و تهییجی در تبلیغات حزبی در موارد معینی ضرور است ولی ارائه سیاست حزب بطور اساسی و عمده باید مبتنی بر شیوه اقناعی تعقلی باشد. افشاء اقدامات رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و دربار سلطنتی یا مراعات چنین روشی مؤثر تر میگردد. آری روش ما بمثابه حزب انقلابی افشاء و مبارزه

است نه ارشاد و انتقاد رفورمیست مآبانه. ولی سخن بر آنست که باید این روش را بؤثرترین و واقع بینانه ترین نحوی بکار برد.

### قضاوت ما در مورد رژیم ایران

#### گرایشهای آینده

علیرغم آنکه رژیم در این اواخر از «سیاست

مستقل ملی» دم میزند (و در واقع نیز در سمت یابی بک جنبه سیاست خارجی ایران برخی تغییرات رخ داده است و روابط با کشورهای سوسیالیستی دایر گردیده و کمابیش بسط میابد و لذا پایگاه امپریالیسم گر چه بطور مطلق بسط یافته است ولی بطور نسبی محدودتر میشود و در برخی مسائل مانند روابط با کنسرسیوم نفت، پیمان سنتو، سیاست درهای باز برخی از سخنگویان رژیم لند لند هائی میکنند) رژیم کودتا کماکان یک رژیم ضدملی است زیرا هنوز هیچ گام جدی در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور برداشته نشده است. علیرغم آنکه رژیم از روش «انقلابی» خود دم میزند و از اصلاحات خود سخن میگوید (و ضرباتی به فئودالیسم در نتیجه اصلاحات ارضی وارد شده و برای صنعتی کردن کشور و ایجاد کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی گامهایی برداشته شده است) رژیم جنبه ضد دموکراتیک و ارتجاعی خود را حفظ کرده است و در سمت کاهش جنبه ضد دموکراتیک رژیم کمترین اقدامی نکرده نمیشود. برعکس رژیم در حفظ اصول استبدادی و کیش شاهپرستی ابقاء شیوه ترور و اختناق اصراری روز افزون دارد و اثری از کمترین عقب نشینی رژیم در این عرصه مشاهده نمیکردد. باید تصریح شود که تغییرات حاصله در رژیم تغییرات غیرماهوی است. رژیم در اثر مبارزه مردم و تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و ضرورتهای اقتصادی باین تغییرات مجبور شده است.

از همه اینها گذشته اپوزیسیون انقلابی با رژیم موجود دارای یک اختلاف نظر تاریخی عمیقتر است. چنانکه بکرات گفته ایم تنها یک دولت ملی و دمکراتیک که بتواند انرژی های انسانی و طبیعی را در مین ما با نقشه علمی بحد اعلا تجهیز کند و ایران را با آهنگ جامع رشد در همه جهات مادی و معنوی به سرعت پیش برد قادر است معضل بزرگ ملی ایران یعنی بر کردن فاصله ژرف با کشورهای راقیه را حل کند. واقعیات نشان میدهد که این فاصله در شرایط کنونی در کار بسط یافتن است. اقدامات و رفورمهای نیم بند رژیم در جهت تثبیت وضع بسود سرمایه داران و ملاکان و امپریالیستهاست نه در جهت تحول وضع بسود اکثریت مطلق مردم ایران. بنا بر این عقیده ما رژیمیکه راه سرمایه داری را در پیش گرفته، سرمایه داری امپریالیستی تکیه میکند و میخواهد اشکال قرون وسطائی سلطنت مستبد و اشرافیت را حفظ نماید و آزادیها و حقوق دموکراتیک خلق را سرکوب کند قادر نیست این معضل تاریخی را حل نماید. مسلماً این رژیم در آینده با بحرانها و تناقضات عمیق جدیدی روبرو خواهد شد.

وظیفه نیروهای تحول طلب آنست که هم در راه بعقب نشینی واداشتن رژیم و هم ایجاد شرایط اجتماعی و سازمانی برجیدن بساط آن مبارزه کنند. مشی سیاسی توضیح شده در فوق را تنها باید در این مقطع فهمید



# هدف های استراتژیک و وظایف مبرم حزب ما

زیرا تنها در این مقطع است که این مشی ماهیت و محتوی انقلابی خود را حفظ میکند و به مرحله ای در راه پیشرفت هدف های دورنمایی و استراتژیک جنبش مبدل میگردد. برای داشتن خط مشی سیاسی، تبلیغاتی

و تشکیلاتی صحیح نه فقط باید ارزیابی صحیح و واقع بینانه ای از وضع موجود داشت، بلکه باید گرایشهای رشد و مسیر تغییرات اقتصادی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داد. یعنی باصطلاح علمی نه فقط دیاگنوستیک بلکه پروگنوستیک نیز ضرور است. ما میکوشیم تا این گرایشها را بیان داریم:

از جهت اقتصادی ایران اکنون در جاده بسط مناسبات سرمایه داری پیش میرود. و این امر ناچار موجب تردید تدریجی تضاد ما بین سرمایه داری خودی و سرمایه داری امپریالیستی و عمال کمپرادور آن میشود. عناصری از این تضاد از هم اکنون بروز کرده است و علیرغم هر گونه وقفه موقتی که روی دهد بیش از پیش بروز خواهد کرد.

از جهت اجتماعی در آرایش طبقاتی جامعه تغییراتی روی میدهد. پرولتاریا روز بروز پر عده تر میشود و بیش از پیش نیرو میگردد. در ده قشر بندی تسریع میگردد و طبقه یکپارچه «رعیت» تجزیه میشود. دهقانان و خورده بورژوازی شهر و ده و قشر رشد یابنده روشنفکران بیش از پیش مهر و نشان خود را بر حوادث میگذارند و چارچوب مؤسسات سیاسی رژیم استبدادی کنونی برای مجتهد جماعتی نو، روز بروز تنگتر میگردد. گرایش دیگری که در آینده تأثیرات نیرومندتری باقی خواهد گذارد تغییر تناسب

نیرو در عرصه جهانی، قدرت روز افزون سوسیالیسم و ناتوانی روز افزون امپریالیسم است. از جمله همین تغییر تناسب در عرصه جهانی است که امروز رژیم را با ایجاد تغییراتی در تاکتیک داخلی و خارجی خود واداشته و همین تغییر تناسب است که در آینده رژیم را به تغییرات باز هم بیشتری وادار خواهد کرد.

این گرایشها نشان میدهد که برخی پدیده ها که امروز جنبه گمنام و عرضی و گاهگیر دارد در آینده میتواند استواری بیشتری کسب کند. این کیفیت میطلبد که حزب طبقه کارگر دائماً گوش بزنگ حوادث باشد، سیر امور را با دقت دنبال کند، بموقع نتیجه گیری نماید، احکام کهنه شده را بدور اندازد و خود را با احکام و نتایج نوین مجهز گرداند و شیوه های مبارزه و تبلیغ و سازمانی خود را با وضع نو و مقتضیات و ضرورت های نوین تطبیق دهد.

تنها بدین ترتیب است که حزب ما میتواند خود را به نیروی نافذ، مؤثر، رهنمون

و غلبه ناپذیر در تاریخ کشور بدل گرداند و خود را از خطر عقب ماندگی و دن کیشوتیسم سیاسی در امان نگاه دارد.

## اشکال مبارزه در شرایط کنونی

دادن شعار های درست کافی نیست، برای اجراء این شعار ها باید مبارزه کرد. وظیفه ما از شد رژیم نیست، وادار ساختن او بقبول خواستهای مردم است. رژیم وادار نمیشود مگر آنکه با مبارزه روبرو گردد. برای اجراء شعار های مبرم حزب اشکال مختلف مبارزه وجود دارد مانند بسط مبارزات مطالباتی و اعتصابی، تظاهرات، اجراء مبارزات انتخاباتی، شرکت در سازمانهای سندیکائی و بسط جنبش سندیکائی، ایجاد کمیته های دفاع، استفاده از افکار عمومی ایران و جهان. افشاگری و نقادی مستدل و نافذ، استفاده از تناقضات، وحدت عمل با نیروهای اپوزیسیون و همکاری دراز مدت یا کوتاه مدت با کلیه نیروهایی که در این یا آن نکته حاضرند با ما قدم مشترک بردارند و غیره و غیره.

توده ایها باید بتوانند در هر جا که مردم مجتمع هستند، در جمعیت های کارگری، دهقانی، دانشجویی، زنان، جوانان، ورزشی، فرهنگی و غیره و غیره شرکت کنند و مبارزه مردم را متشکل سازند و آنرا رهبری نمایند. اگر توده ایها به افراد، گروهها و شبکه های جدا از زندگی و مردم و مبارزه مبدل شوند، جز مشتی ابراز احساسات انقلابی، کاردیگری از آنها ساخته نخواهد بود. تنها انقلابیونی که محیط واقعی را درک میکنند، با آن پیوند دارند، با آن در می آمیزند، میتوانند محرک نبرد باشند، آنرا سازمان دهند، آنرا بجلو برانند، قادرند جاده پیروزی را هموار سازند.

داشتن مشی صحیح شرط لازم است ولی کافی نیست پس از داشتن مشی صحیح عمل مؤثر و خردمندانه ضرور است. علم بی عمل درخت بی بر است. حزب بدون مبارزه عملی، گروه جدا مانده از زندگی و باشگاه صحبت و انجمن علمی است.

این بسیار درست و بجاست که حزب برای منفع کردن مشی سیاسی خود، جدا کردن آن از سکتراریسم و اپورتونیسم، مشخص کردن هدفهای استراتژیک و تاکتیکی خود مبارزه میکند و در واقع نیز در این زمینه به نتایج روشن تری رسیده است.

ولی باید در عین حال با نیروی ده چندان به اجراء عملی مشی خود بپردازد. تمام نکته مرکزی در همین جاست نباید در باره تحول خود بخودی وضع در جهت مطلوب، کمترین پنداری بخود راه داد. رژیم

که بر کشور ما مسلط است دارای تعهدات ارتجاعی عمیق است. فقط و فقط از راه مبارزه، از راه فداکاری، از راه مقاومت، از راه سرسختی در خواستهای حق و عادلانه میتوان برای نهضت و مردم روزنه ای به پیش گشود. آنچه که موجب بیدایش برخی تغییرات در رژیم شده است مبارزه و مقاومت است و همین مبارزه و مقاومت است که اگر در مجرای درست و واقع بینانه خود سیر کند، قادرست وضع را بسود مردم و جنبش رهایی بخش ایران تغییر دهد. باید به روحیات شکست طلبی، یأس و فرسودگی از مبارزه میدان نداد و شعله نبرد و بیداری را کماکان فروزان نگاه داشت و فروزاتر ساخت.

## مبارزه علیه دو برخورد نادرست - اهمیت

### تلاش شوریک حزب

برای تکمیل سخن نکته دیگری را نیز باید افزود و آن ضرورت مبارزه علیه دو برخورد نادرست در مسائل استراتژیک و تاکتیک است.

یکی از این دو برخورد، برخورد چپ روانه است که چنانکه گفتیم شرایط عینی و ذهنی ضرور اجراء هدف استراتژیک را یا در نظر نمیگیرد یا بدانها کم بها میدهد. خطر چپ روی در حزب و نهضت وجود دارد و علل آن نیز روشن است: سیاست ارتجاعی و اختناق آور رژیم، سرکوب جنبش اپوزیسیون، مشکلات حاد و متعدد زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ما خشم و طغیان مقدس در دایها آکنده کرده است. مردم خواستار تحول اساسی در وضعی هستند که نمیتواند امید و اعتماد آنها را برانگیزد و قادر نیست دورنمای یک جامعه عادلانه را در برابرشان بگسترده. این امر منجر به بیدایش روحیه شتابکارانه و حادثه جوینه میشود و محیط شعار های ناسنجیده را مساعد میگرداند.

ولی خطر انحراف تنها به چپ روی منحصر نیست. خطر برخورد راست روانه

نیز وجود دارد و علل آنهم روشن است: این واقعیت که حزب ما و نهضت رهایی بخش دچار اشتباهات و ناکامیهای متعدد شده اند و اکنون نیز قادر نیستند دورنمای یک موفقیت سریع را در برابر مردم بکشایند، این واقعیت که رژیم دست به رفرورم، عقب نشینی و مانور های اجتماعی زده است و تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی خود وارد ساخته است، و سرانجام انواع خستگیها و فرسودگیهای روحی، میتواند تمایل به دمساز شدن با رژیم، بر بها دادن به اقدامات اصلاحی آن، ناچیز گرفتن هدف استراتژیک تحول انقلابی جامعه و غیره و غیره را تقویت کند.

باید دانست که حزب ما یک حزب انقلابی است نه رفرورمیست. ما خواستار تحول بنیادی جامعه ایرانیم و اقدامات رژیم در چارچوب حفظ سازمان ها و نظامات غیر دمکراتیک و ضد خلقی است. رسالت تاریخی یک حزب انقلابی شکستن این چارچوبهاست. تمام مسئله در آنست که حزب انقلابی در مبارزه سیاسی خود از طرفی طوری واقع بینانه عمل کند که بتواند واقعاً یک نیروی مؤثر تحول و تغییر در جامعه بدل گردد و تنها به لفاظیهای

تهی، بسنده ننماید و از طرف دیگر و در عین حال طوری اصولی عمل کند که مبارزات تاکتیکی و برخورد واقع بینانه او را از هدف های اساسی منحرف نگرداند.

چنانکه در آغاز این مقال گفته شد تلاش حزب برای روشن کردن نظر خود در چهار عرصه: جهان، ایران، جنبش و حزب باید ادامه یابد. در هر یک از این عرصه ها باید بدو نکته اساسی توجه شود: ۱- ارزیابی وضع و گرایشهای رشد و ۲- روشن کردن وظایف. از آنجا که وضع در تغییر است، وظایف نیز در تغییر است لذا اسناد و استنتاجات در برخی از نکات خود کهنه میشوند. لذا وظیفه تحلیل ثوریک چنانکه گفته شد، وظیفه مستمر است. ما امیدواریم که در مسائل مربوط به جنبش و حزب نیز بررسیهای تحلیلی جدا گانه ای خواه بصورت تز، خواه بصورت مقاله نشر دهیم و از مشورت جمعی برای تنظیم تدریجی پلانم حزب مدد بگیریم. کمترین فایده این عمل آنست که به تشتت موجود در آراء و نظریات تا حد محسوسی خاتمه خواهد داد و برای مبارزه حزب زمینه درستی تهیه خواهد کرد.

بعلاوه بررسی مطبوعات سازمانهای دیگر اپوزیسیون نشان میدهد که در کنار نضج افکار و ایدئولوژیهای این سازمانها، مقدار زیادی مسائل نادرست بمان کشیده میشود که دارای ظاهر استدلالی، علمی و حتی انقلابی است. حزب ما باید با روشن کردن خواستها، بر آورد ها و وظایف خود در زمینه های چهار گانه دست بیک پولیک وسیع، علمی اصولی و استدلالی برای پیشرفت نظریات خود و روشن کردن نظریات و جریانات نادرست بزند. مبارزه ثوریک و ایدئولوژیک در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده است. با آنکه ما مارکسیستها - لنینیستها به تقدم عمل بر ثوری معتقدیم این بدان معنی نیست که میتوان به عمل بدون ثوری دست زد. عمل بدون ثوری صحیح گاه بقدری مضر است که بهتر است اصلاً بدان دست زده نشود. تشبیه بسیار بدیع عمل و جنبش انقلابی بکشتی و ثوری به قطب نما فراموش نشود. کشتی بدون قطب نما بگرداب میرود و قطب نما بدون استفاده عملی زنگ میزند. لذا پراتیسیسم و کم بها دادن بشوری که متأسفانه دیده میشود مضر است. استعراق در بحثهای آکادمیک و تبدیل حزب به باشگاه بحث های بیزارسی، دور از کشور، دور از مردم، دور از نهضت نیز نه فقط مضر بلکه مضحک است.

تمام روح دیالکتیک دریافت رابطه منطقی بین قطب های متضاد است.

۱. سپهر

هموطن عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4176**

**Stockholm 4  
Sweden**



# یادی از جنبش های اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

تاریخ دیرینه و پر فراز و نشیب کشور ما سوشالیزم از جنبش ها و بیداریهای گونا گونی است که از طرف خلق های ایران ضد ستمگران داخلی و یا متجاوزان خارجی و یا هر دو بوجود آمده است. بیشتر تاریخ نویسان شرح حالات طبقات حاکمه و فرزانگان و حوادث دوران آنها را بتفصیل نوشته اند اما غالباً از ذکر جنبش های سیاسی و فکری توده های مردم علیه آنها یا خودداری کرده و یا اگر هم به ثبت آنها پرداخته اند با تحلیلی غیر علمی و با غرض آلود بنفع حکومت های زمان خود همراه است غالباً از جنبش های سیاسی به عنوان شورش و بلوا و یا فتنه یاد نموده و جنبه انقلابی و پیشرو آنها را تاریکی نهاده اند بعقاید و افکار مترقی که دارای هسته های مقاومت و با نوعی قیام فکری علیه ایدئولوژی طبقه حاکم بوده رنگ الحاد و کفر و زندقده زده اند باوجود این مدارک و منابع کافی برای جمع آوری این نهضت ها و تحلیل آنها بر پایه علمی وجود دارد در این زمینه در گوشه و کنار کارهایی مفید و با ارزش انجام شده که دارای نقائص فراوانی است. تحقیق در باره تمام نهضت ها، قیام ها و مقاومت هایی که در تاریخ کشور ما بوقوع پیوسته از حوصه این مقال و از عهده نگارنده این سطور خارج و خود کار بزرگی است که باید انجام گیرد در این مقاله سعی میشود فهرست وار بهرهای از این جنبش ها به ترتیب تاریخ وقوع آنها اشاره و نشان داده شود که خلق های ایران وارث سنن انقلابی دیرین و گرانبایی هستند که باید از آنها در مبارزه ضد استعماری و ضد ارتجاعی امروز الهام و عبرت گیرند.

## جنبش های اجتماعی و انقلابی در دوران

### قبل از اسلام

مدارک تاریخی موجود از این دوران دو چریاب وسیع خلقی را که یکی بصورت بیداری فکری منفی و دیگری بصورت قیام و جنبش سیاسی است نشان میدهد. اول بسط و توسعه افکار و عقاید مانی و هجوم بیداری مردم و قیام مزدکیان است. مانی (۲۱۶-۲۷۶) میلادی مؤسس طریقه مذهبی است که بر دوگانگی یا بر ثنویت استوار است. او جهان را مرکب از نور و ظلمت میدانند و معتقد است که نور مظهره زندگی، حیات و نیروی ایجاد است که در تمام اشیاء وجود دارد و در درون آنها محبوس تئوریک است و نجات او و پیروزی او بر ظلمت فقط از راه ریاضت و زهد و پرهیزکاری امکان پذیر است. عقاید مانی الهیاتی و متضمن قسمتی از عقاید زردشتی مسیحی بود و این است که در سیستم فکری منظمی بهم پیوند داده شده است. نظریات مانی در آن دوران از طرف زردشتیان و کیشیان مسیحی و رهبران بودایی بعنوان کفر و زندقده محکوم گردید و آنها که خود با یکدیگر پیوسته گرم جلال مذهبی بودند متجدد شده چندان کوشیدند تا مانی برگ محکوم شد و عده ای از پیروان او مقتول گردیدند. مرگ مانی و تعقیب طرفداران او مانع از آن نشد که عقایدش بسرعت بین دهقانان و زحمتکشانش نشری که در زیر ستم دوگانه اشراف و مؤبدان رنج میکشیدند توسعه و بسط یابد و مظهر مقاومت آنان علیه ستمگران گردد. زهد و پرهیزکاری الحاد و زندقده در تمام قرون وسطی شکلی از مقاومت توده ها علیه نظام ظالمانه موجود و وسیله ای برای ایثار و مخالفت و ناسازگاری و عدم تسلیم آنها بوضع اجتماعی و طبقات حاکمه بوده است و هر وقت شرایط و امکانات برای قیام و مبارزه مثبت بوجود آمده این توده های ناراضی جنبش های بزرگ سیاسی پدید آوردند و به نبرد علنی علیه جباران و ستمگران دست زده اند. چنانچه در دوران قباد پادشاه ساسانی (اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم) از درون جنبش مانوی جنبش مزدکی برخاست و بر اساس عقاید مانوی طریقه مزدکی با خصوصیات یک مبارزه مثبت و عملی پدید

آمد. مزدکی یکی از چهره های شگرف تاریخ ماست که افکار اجتماعی حوی هسته های کمونیستی و لبریز از احساسات بشر دوستانه است او نیز مانند مانی بودگانگی معتقد است و جهان را مرکب از دو عنصر نور و ظلمت میدانند که دائماً در نبرد هستند ولی بر خلاف مانی، مزدکی در این نبرد همواره پیشرفت و سیر در جهت پیروزی نهائی را نصیب روشنائی میدانند مزدکی میگوید وظیفه انسانها کمک به نور در نبرد ضد ظلمت است. مزدکی کینه و جنگ را باعث تاریخ شدن سعادت زندگی و بدبختی و فقر و پریشانی توده ها را زاده تئوریک میسورد و برآنست که برای دفع آنها باید نابرابری انسانها در استفاده از نعمات مادی را که ریشه مفاسد است از بین برد. اساس نابرابری انسانها این است که زورمندان ارچه اشراف و چه پیشوایان دینی (اموال اجتماعی را تصاحب کرده و دهقانان و زحمتکش را از استفاده آنها محروم نموده اند. مزدکی برابری در مالکیت را عالی ترین شکل عدالت میدانند. گرچه جنبش مزدکیان در دوران خسرو انوشیروان با قتل عام بیرحمانه صد ها هزار تن دهقان و مردم شهری پایان یافت ولی این تأثیر را بخشید که انوشیروان ناچار شد به اصلاحاتی ضد فئودالها و اشراف و نظام مذهبی حاکم دست زند. به علاوه افکار مزدکی اثرات عمیق خود را تا مدتی طولانی در تاریخ کشور ما حتی پس از سطره اسلام بخشید.

## جنبش های اجتماعی و انقلابی بعد از اسلام

اسلام در آغاز توده های زحمتکش مردم شهر و ده را به برادری و مساوات و عدالت نوید میداد و بدین طریق تخم امید در دل توده های رنجبر میکاشت اما پس از تسلط حکومت اسلامی و پیوسته در دوران خلافت امویان و عباسیان معلوم گردید که زمامداران اسلامی نه چنین اند. قبل از اسلام توده های دهقانی و زحمتکش شهری زیر فشار فئودالها و اشراف و برده داران بودند ولی بعد از اسلام استعمار و ستم اشراف عرب و امرا و حاکم خلفا نیز بر آن اضافه شد فقط قشر جدیدی از فئودالها و اشراف و برده داران جایگزین قشر قدیمی قبل از اسلام گردید. فشار دوگانه مهاجمان خارجی و استعمارگران داخلی و فقر و مباحث تئوری اشرافگران عرب که ملل دیگر را ستم و انجمنی یعنی گنگ می نامیدند موجب جنبش های گوناگون سیاسی و فکری گردید که ذیلاً بهرهای از آنها اشاره میشود.

### قیام ابو مسلم و سیاه جامگان

خراسان بعالت دوری از مرکز خلافت مهد جنبش های ضد عرب بشمار میرود یکی از جنبش های بزرگ این سامان جنبشی است که بنام قیام ابو مسلم خراسانی بسال ۱۲۸ هجری معروف گردید است در این قیام توده های بزرگ دهقانی و زحمتکش شهر بیبا خاستند تا به تسلط حکومت خلفای اموی پایان بخشند ابو مسلم با دادن شعار های ضد اموی و آزادی خراسان از جور و ستم عمال آنها توده های عظیم زحمتکش را بدور خود گرد آورد و علامت عباسیان را که پرچم سیاه بود بصورت لباس سیاه نمودار مبارزه ضد امویان قرارداد ابو جهمی دینوری این جنبش را چنین توصیف میکند: مردم از هر سوی از هرات و جوشنک و مرو رود و طالقان و مرو و ابیورد و طوس و سرخس و باخ و چغتیان و طخارستان و کش و نسف به ابو مسلم روی کردند همگی جامه سیاه داشتند و یک نیمه چوبها را که با خود داشتند و آنرا (کافر کوب) مینامیدند سیاه کرده بودند... و شمار آنان قریب یکصد هزار بود ابو مسلم بکمک توده های ستمکش و با استفاده از تضاد امویان و عباسیان در خراسان بقرت رسید ولی دوری او از توده های مردم و همکاری او با دربار خلفای عباسی که منجر بقتل ناجوانمردانه اش بدست منصور خلیفه گردید مانع از آن شد که بحکومت اغراب

در خراسان پایان داده شود ابو مسلم از میان رفت ولی جنبش در خراسان پایان نیافت. استاد سیمین در سال ۱۵۰ هجری یکی از مردم خراسان بنام استاد سیمین در خراسان قیام کرد و بر تمام بلاد خراسان تسلط یافت و حکومت عرب را برانداخت تا آنکه سپاهیان عظیمی از دربار خلیفه بخراسان آمد و در جنگ سختی این قیام سرکوب شد و در سال ۱۵۱ هجری استاد سیمین را بدار آویختند. قیام سند باد: پس از قتل فجع ابو مسلم خراسانی قیام های دیگری در خراسان پدید آمد که از جمله آنها قیام سند باد مجوس است. او دهقانی از نیشابور بود و پیروان فراوان یافت و بسیاری از مردم کوه های خراسان بدو پیوستند و بخونخواهی ابو مسلم قیام کردند منصور خلیفه عباسی این قیام را با اعزام سپاهی گران سرکوب کرد اما جنبش باشکال دیگری ادامه یافت.

راوندیان: نهضت راوندیه که بدست ایرانیان پدید آمد در کوفه آغاز گردید صورت مذهبی داشت ولی در جریان تکامل خود در عهد منصور خلیفه عباسی صورت قیام مسلح گرفت. چنانچه در کوفه زندانها بشکستند و آهنگ کشتن منصور کردند که ابوسبیاری از آنان را کشته بود دکتر حسن ابراهیم حسن در کتاب «تاریخ سیاسی اسلام در باره این فرقه چنین میگوید: «منصور» راوندیان را دشمنان دولت خویش میدانست و میدانست که ایشان پیروان ابو مسلم دشمن دیرین وی بودند و هدفتان این بود که خلافت را بسطنت خسروی مبدل کنند و هم ایشان را زندیق و خارج دین میسورد که میخواهند یکی از دینهای قدیم چون زردشتی گری یا مانوی یا مزدکی را زنده کنند و با آنها همان معامله کرد که با ابو مسلم کرده بود و بدترین وجهی کشتارشان کرد اما نتوانست ریشه آنها را نابود کند و بصورتهایی مختلف آشکار شدند و شورشهای مفتح خراسانی و بلابک و امثال آنها پدید آوردند.

### قیام هاشم بن حکیم و سپید جامگان: در

سال ۱۵۹ هجری هاشم بن حکیم (المفتح یا نقابدار خراسان) در خراسان و ماوراءالنهر علیه اشغالگران قیام کرد عقاید او از افکار راوندیه که نوعی شیعیگری بود سرچشمه میگرفت ولی از نظر اجتماعی محتوی آن مبارزه ضد خلفای عباسی و متضمن قسمتی از افکار مزدکی بود توده های کثیر دهقانی بدو پیوستند و مسلحانه علیه حکام عرب بیچنگ پرداختند و مدتها طول کشید تا خلفا با اعزام مکرر سپاه درسال ۱۶۹ هجری توانستند این جنبش را سرکوب کنند ولی پیروان المفتح که دشمنان سرخست حکومت عرب بودند روزگاری دراز در ولایت کش و نخشب و پاره ای از دیر های بخارا باقی ماندند. قیام مفتح قیامی بنام معنی ملی و ضد عربی بود که ضربت مهلکی بسطه خلفا در شرق ایران وارد کرد و یکی از عوامل مقدماتی مهم پایان یافتن حکومت خارجی در این منطقه و رشد قیامهای دیگر در سایر مناطق ایران است.

### قیام بلابک خرمدین و سرخ جامگان: قیام

بلابک بسال ۲۰۱ هجری از دربار دینور در آذربایجان آغاز شد و تبدیل بیک نهضت وسیع خلقی ضد عرب گردید. تعلیمات بلابک دنباله تعلیمات راوندیه و المفتح است و شامل بسیاری از عقاید اجتماعی مزدکی میباشد. جنبش بلابک مدت بیست سال پیروزمندانه ادامه داشت بلابک در چندین جنگ بهترین فرماندهان خلفای عباسی را که با سپاه گران سرکوبش آمدند شکست داد و منطقه وسیعی را که به بلاد بلابک معروف شده بود آزاد کرد. جنگهای خرم دینان با بزرگترین نیروی نظامی آن زمان یعنی نیروی خلافت اسلامی بر از شجاعت و جلالت و حسن تدبیر است قسمتی از اقدامات نظامی آنها را میتوان با جنگهای پارتیائی امروز مقایسه نمود پس از بیست سال خلفای عباسی تمام نیروی خود را جمع آوری

و بدستبازی افشین سردار ایرانی در دربار خلفا نهضت خرم دینان را سرکوب و بلابک را که در شجاعت و چالاکی بی نظیر بود از راه مکر و فریب گرفتار و نابود کردند (سال ۲۱۳ هجری) برای اولین بار پرچم سرخ را طرفداران بلابک در گرگان و طبرستان بعنوان پرچم انقلابی ضد عرب بکار بردند و جامه سرخ را بعنوان نمودار قیام، جامه بیرونی خود قرار دادند قیام خرم دینان سرکوب شد ولی جنبش ضد اشغالگران عرب ادامه یافت.

قیام مازنیان - مازیار بن قازن یکی از اسپهبدان طبرستان پیشوای فرقه ای از خرمنیان بود که بنفع کشاورزان املاک را از فئودالها گرفته و بدانها واگذار کرد. در سال ۲۲۴ علیه حکومت خلفای عباسی قیام نمود و پس از چندی گرفتار و در سامره مقتول گردید و در همین سال افشین که در سرکوبی خرم دینان و مرگ بلابک خدمت بزرگی بخلفای عباسی کرده بود در زمان متعصم خلیفه عباسی زندانی و سپس مقتول گردید (سال ۲۲۶ هجری) مازیار با بلابک خرم دینان ارتباط بود و افشین نیز پنهانی با آنها برای آزادی ایران قول و قرار گذاشت ولی در جنگ با بلابک بخلیفه باری داد.

قیامها و جنبش های فوق همه دارای خصالت مانی و ضد تسلط خارجی بر ایران بوده است. یکی از علل مهم ناکامی آنها این بود که پس از نفوذ اسلام در بین مردم از لحاظ فکری سلاحی که قیام کنندگان بکار میبردند کهنه و زنگ زده و بر اساس آید و افکار دوران ساسانی و احیای نظامات کهن بود که قوتها بر روی آنها گذشته و متناسب با شرایط زمان نبود. رهبران این جنبش ها با هسته های مترقی افکاری چون افکار مزدکی توده مردم را بجرکت میاورند ولی همینکه قدرتی می یافتند و به اشراف زمان ساسانیان را انتخاب مینمودند و بدین طریق از توده ها جدا میشدند اما بهر صورت در مجموع خود زمینه را برای آزاد کردن ایران از قید حکومت عرب فراهم کردند تا آنکه طاهریان و صفاریان و سامانیان با اجرای سیاست دیگری بتدریج حکومت های مستقل ایرانی را تشکیل دادند.

در کنار جنبش های فوق جنبش های دیگری بوقوع پیوسته که از لحاظ ظاهر بر اساس قبول دین اسلام مبتنی است ولی در واقع مظهر ناراضی توده های مردم و قیام ملل مغلوب در ممالک اسلامی از جمله در سرزمین ایران ضد حکومت عرب است. موقمی که خلفای اموی بر سر کار بودند کسانی مانند ابو مسلم خراسانی بمخالفان آنها یعنی عباسیان پیوستند تا آنکه حکومت اموی را بر انداختند همینکه عباسیان بحکومت رسیدند گروهی با شیعیان که مخالف حکومت عباسیان بودند همراه شدند و دسته ای بخوارج که آنها نیز مخالف ستم عباسی بودند پیوستند. بعضی هم سعی کردند که با هر دو گروه رابطه برقرار کنند. در تمام این جنبش ها ناراضی توده های مردم پایه و اساس بوده که باید بهبود زندگی مادی خود بهر هران قیام پیوسته اند.

### قیام زنگیان یا قیام آل الزنج - در ماه شوال

۲۵۵ ق. هـ (۸۶۹) میلادی آغاز شد و قریب ۱۵ سال ضد خلفای عباسی دوام یافت. هسته اصلی این قیام بر بردگان که در دوران خلفا بقتل و ستمی تبدیل شده بودند تشکیل میداد. رهبر این قیام که دست کمی از قیام معروف اسپارتا کوس ندارد علی بن محمد بن عبدالرحیم است خانواده او از طرفداران آل علی بودند که در طالقان سکونت داشتند و بنابراین ایرانی هستند. علی با دادن شعار آزادی بردگان جنبش زنگیان را بوجود آورد و در منطقه بصره مقام گرفت بردگان از هر طرف بر او گرد آمدند و چنان این جنبش نیرومند شد که معروفترین سرداران عرب مکر از بردگان انقلابی شکست خوردند و صاحب الزنج در مدت پانزده سال بر نواحی دیگری مانند آبادان، اهواز، شوش، دشت میشان و جی و گندیشاپور دست یافت و عقابت خلیفه عباسی الموفق، موقوف بر سرکوب آنان شد. یکی از علل شکست آنان تغییر رویه ای بود که پس از فتوحات اولی و بدست آوردن غنایم و ثروت بدان دچار شدند شیوه خلیفه گری و غلام داری و گرد آوردن مال بین آنان رواج یافت و موجب ضعیف آنها شد.

بعثت تراکم مطالب بقیه این مقاله در شماره آینده درج خواهد شد.



کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان مهمانان این جلسه بود. رفیق عبد الصمد کامبخش رئیس هیئت نمایندگان حزب توده ایران در نظمی که ایراد کرد پس از تبریک و تشکر از دعوت برای شرکت در این جلسه و پس از ذکر کامیابی های بزرگ بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم در کشور خود اظهار داشت:

«مقام والا اینکه حزب کمونیست بلغارستان به دست آورده است تنها در بکار بردن خلاق مارکسیسم - لنینیسم در سیاست داخلی نیست. حزب شما در مقیاس جنبش بین المللی کمونیستی نیز همواره پرچم مارکسیسم - لنینیسم را برافراشته داشته است. در همه مسائل سیاست بین المللی حزب کمونیست بلغارستان تلقیق درست مینماید. پرسی ژرف و اترانسویالیسم پیدریخ پروتسری را نمونه وار نشان داده است. حزب ما بنوبه خود همواره این خصیصه را بویژه هنگام کارزار برای نجات جان رفقای محکوم بمرگ ما خاوری و حکمت جو از نزدیک احساس کرده است. اجازه بدهید بریون این کنگره تشکرات صمیمانه حزب خود را از این ابراز همدردی تقدیم داریم. اظهارات رفیق ژویکف در باره آمادگی شما برای کمک همه جانبه مبارزه مقدس خلق قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم امریکا حاکی از همین اترانسویالیسم عمیق حزب شماست. کمک بسزائی که کشور بزرگ اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بخلاق ویتنام میکنند در حقیقت کمکی است به همه خلقهای ستمدیده ای که در راه آزادی خود میزنند زیرا مبارزه خلقهای ستمکش مبارزه ای است واحد و تفکیک ناپذیر.

بویژه از این نظر است که موضع اتخاذ شده از جانب رهبری حزب کمونیست چین، حتی در مسئله وحدت عمل درکمک بخلاق ویتنام موجبات تعجب و شگفتی ما را فراهم میکند. از هر سوئی این موضع مورد بررسی قرار گیرد علت تبرئه کننده ای برای آن نمیتوان یافت. از نظر عینی این موضع است که آب بر آسباب امپریالیسم به زبان جنبشهای آزادیبخش ملی میریزد. ما سیاست رهبری حزب کمونیست چین را که بهیچوجه علیه امپریالیسم امریکا متوجه نبوده بلکه تماماً متوجه اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن و دیگر کشور های سوسیالیستی است شدیداً محکوم میکنیم. آنچه که امروز در چین زیر پرچم «انقلاب فرهنگی» انجام میگردد شگفت انگیز است. ایران ما از جمله کشورهای دارای کهن ترین و غنی ترین فرهنگهاست. عده کثیری از متفکرین، نویسندگان و شعراء بزرگ که نماینده افکار مترقی زمان خود بوده اند زینت بخش تاریخ فرهنگ ما هستند. آثار آنان گنجینه ما را تشکیل میدهد، موجب غرور ملی ماست و هیچگونه انقلاب فرهنگی از نوع آنچه که در چین جریان دارد نمیتواند ما را از این گنجینه جدا سازد.

ما با نظر حزب شما در مورد دعوت جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری کاملاً موافقیم. قبلاً هم در این زمینه اظهار نظر کرده ایم. بنظر ما موقع اکنون برای این اقدام فرارسیده است.» در مورد تحولات رژیم که در ایران پس از کودتای ۱۹۵۳ شاه زاهدی برقرار شد ناطق گفت: «رژیم کنونی ایران تحت فشار نیروهای اپوزیسیون که عمده ترین آنها را حزب توده ایران

# یادی از ۲۱ آذر

## و جنبش دموکراتیک مردم

### آذربایجان

آذربایجان تکیه گاهی برای پیروزی دموکراسی در سراسر ایران باشد. علت آنکه علاوه بر حزب توده ایران احزاب و نیروها و رجال ملی و مترقی و از آنجمله حزب ایران و آقای دکتر مصدق از جنبش مردم آذربایجان حمایت کردند در همین امر است. حزب ما هرگز با تمایلاتی که منافی تمامیت و استقلال کشور است بهتر شکلی که باشد سر موافقت ندارد و با اطمینان باین حقیقت که مردم آذربایجان در قیام و اقدام عادلانه خود جز این نمی خواهند به پشتیبانی آنان برخاست و این پشتیبانی را کماکان و در تمام شرایط دشوار هجوم و اتهام از جانب ارتجاع ادامه داد.

شاه و ارتجاع ایران پس از آنکه جنبش آذربایجان را قانونی شناختند پیمان شکنانه بر آن ضربت زدند. دهها تن از بهترین فرزندان دلیر فرقه دمکرات آذربایجان و مردم آذربایجان و سی و سه تن از شریف ترین افسران ارتش ایران که بخاطر سعادت وطن باین جنبش پیوسته بودند در محاکم نظامی محکوم باعدام شده و بهشهادت رسیدند. هزارها تن دیگر از زحمتکش آذربایجان بسوی محاکمه در کوچ و خیابان و درویشها بقتل رسیدند.

اکنون ۲۱ سال از این تاریخ میگذرد ولی هنوز خاطره درخشان این شهیدان در ضمیر مردم آذربایجان زنده است. رژیم شاه طی این ۲۱ سال گامهایی در راه حل خواستههای حق مردم آذربایجان برداشت. کوچ عظیم جمعی مردم آذربایجان به نقاط دیگر نشانه آن است که این خفه زرین در اثر سیاست رژیم هنوز قادر نیست حتی نوبت روزانه مردم خود را تامین کند. شعله جنبش در خاک آذربایجان دمی فرو نغفت. مبارزه و شهادت پنج تن از فرزندان دلار آذربایجان یوب کلانتری زهتاب جهانبانی عظیم زاده و جواد فروغی سالهای پس از سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان خود نشانه آنست که روح پیکارجویی مردم آذربایجان بیدار و فعال است. منافع مردم و زحمتکش آذربایجان جدا از منافع مردم و زحمتکش سراسر ایران نیست. بر اساس این واقعیت است که حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر را تحقق بخشیدند و اکنون فرقه دمکرات آذربایجان جزئی از حزب واحد طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران است. مردم ایران براهنهای این حزب در راه نیل به هدفهای تاکتیک و استراتژیک جنبش رهایی بخش ایران در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک مبارزه می کنند. تردیدی نیست که جنبش مردم آذربایجان همراه دیگر خلقهای ایران در راه احقاق حقوق میهنی، طبقاتی و ملی خود سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

تشکیل میدهد از برخی مواضع خود عقب نشینی کرده و به پاره ای رفورمها دست زده است. مسافرت شاه بکشورهای سوسیالیستی یکی از عقب نشینی هاست. باید متذکر شوم که حزب ما از روز اول تشکیل خود لزوم برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی را که در آن هنگام بگانه کشور سوسیالیستی بود یکی از مواد اصول برنامه خود قرار داد. بدیهی است که این نظر اکنون باید بکشورهای دیگر سوسیالیستی نیز بسط داده شود. اینگونه مناسبات منطبق با مصالح مردم ما خواه در حال حاضر و خواه در آینده است ولی این بدان معنی نیست که در مبارزه ما برای آزادی

# زنان و مادران! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی

## را تقویت کنید و آنرا به پیروزی برسانید!

ملی ایران حقوق زنان تحکیم خواهد شد و در حقیقت با این جمله مخالفت خود را با طرح ۱۷ سناتور بیان داشت. نغمه های مخالف دربار و دولت و مجلس نشان داد دربار که خود را «منجی» زنان معرفی میکند تحمل «رقیب» رهبری زنان را ندارد و این نکته بخصوص در نطق هویدا که در مجلس، مبتکر طرح را «حریص برای رهبری نهضت زنان» معرفی نموده است آشکارا بچشم می خورد. دربار با این طرح و آن قطعنامه مخالف است از آن نظر که اصولاً معتقد به تجدید نظر همه جانبه و عمیق در قانون مدنی نیست و ثانیاً مایل است ابتکار عمل دردست او باشد و بر این اساس اکنون که ناگزیر از قبول تغییراتی در وضع حقوقی زنان شده است میخواهد ضمن جلب رضایت عناصر عقب مانده روحانیت، با یکی دو گام عقب نشینی، هم جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را خاموش کند و هم همین اقدام سطحی و ناقص را جارچیان درباری در قالب اقدام انقلابی!! ملوکانه جا

بزنند و زنان را بزور جنجال تبلیغاتی شکر گزار شاه و اشرف معرفی نمایند و این بازی چندپهلورازیر سرپوش رعایت «تعالیم اسلامی» و حفظ «آداب و سنن ملی ایران» پنهان میکنند. اما این اولین بار نیست که ارتجاع ایران خود را پشت سیر مذهب و سنن ملی پنهان کرده است. در سر زمینی که ما در آن زندگی میکنیم پیوسته مذهب سیر ارتجاع بوده است. در همین سالهای اخیر، نخستین مخالفتها با تحدید مالکیت بزرگ که چیر زمان تحمیل کرده بود در لباس «مخالفت با مذهب» انجام شد. نباید فراموش کرد که اسلام در دوران خود در راه بهبود وضع زنان عرب گامهایی بجلو برداشت. آنچه که امروز مخالفین طرح «سنن ملی» مینامند چیزی نیست جز مقررات ارتجاعی که از هزاران سال پیش زنجیر دست و پای زن بوده است.

عجیب است که مخالفین طرح آنرا باعث «ترلز زلبان خانواده» نامیده اند. در عرف این مخالفین گویا ایجاد حرمسرا، واگذاری طلاق بهوس مرد، نکاح منقطع، ازدواج دختر ۱۵ ساله با مرد ۶۰-۷۰ ساله و بی حقی زن نسبت به خانه و زندگی و فرزندان موجب «استحکام» خانواده است،

خلق ما و آرمانهای وی در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم موجود و در راه استرداد کامیابیهی از دست رفته خلقهای کشور ما تخفیف حاصل خواهد شد.

حزب ما بمصالح مردم کشور خود و بمصالح جنبش کمونیستی و کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملل ستمدیده وفادار است و در این راه پرچم مارکسیسم - لنینیسم را رهنمای دائمی خود میداند.

اما حذف تعدد زوجات، ارجاع طلاق بمراجع قانونی، منع نکاح منقطع، رعایت تناسب سن در ازدواج و حقوق برابر زن نسبت به سرپرستی و تربیت فرزندان و کانون خانوادگی اش باعث «ترازل» خانواده!! روزگاری طرفداران نظام بردگی هم برای ابقاء تسلط وحشیانه خود بر بردگان چنین استدلال میکردند. آنها هم وجود بردگی را برای بقاء اجتماع لازم و ضروری میشمردند. سخافت استدلال طرفداران امروزی بردگی زن، کم از سخافت منطق هواداران آرزوی نظام بردگی نیست.

در نبرد بین ارتجاع نیروی متحد زنان باید مواضع ارتجاع را و نیروهای مترقی، درهم شکوید این نیروی مردم است

که میتواند سرنوشت نبرد را تعیین کند و در نبردی که بین هواداران تغییر قانون مدنی و ارتجاع در گرفته است، مبارزه متحد زنان میتواند در این میان نقش قاطع ایفا نماید.

ما از همه زنان دعوت میکنیم که با هر وسیله ای که در اختیار دارند، جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنند، با شرکت فعال در سازمانهای موجود زنان، این سازمانها را به جانبداری عملی از تغییر قانون مدنی و کوشش مجدانه در این راه وادارند. قشرهای ارتجاعی تر این سازمانها را متفرد سازند و از تضاد بین گروههای مختلف رهبری این سازمانها استفاده نموده آنها را بجانب دفاع جدی از حقوق زنان سوق دهند. با شرکت در اقتراح مجلات و روزنامه هائی که طرفدار تغییر قوانین ازدواج و طلاق هستند نظر تأییدی و تکمیلی خود را ابراز دارند و صدای موافقین را تقویت کنند. با ارسال مقالات به مطبوعات، تغییر این قانون ارتجاعی را خواستار شوند. با مراجعه فردی یا جمعی به مراجع دولتی و قانونگزاری، رجال و شخصیتها تجدید نظر در قانون مدنی را مصرا نه طلب کنند، سازمان ملل متحد اخیراً بمناسبت هفدهمین سال صدور اعلامیه حقوق بشر کلیه دولتها را بر عایت دقیق تر موازین حقوق بشری دعوت نموده است، اکنون بجاست که با ارسال نامه و تلگراف به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون حقوق زن سازمان ملل متحد و نیز سازمانهای بین المللی زنان و حقوق دانان بخواهند تا دولت ایران را به رعایت کامل حقوق زنان وادار کنند. وظیفه کلیه سازمانها و مطبوعات مترقی در داخل و خارج کشور است که زنان را در این مبارزه یاری رسانند.

زنان و مادران! قانون مدنی سند بردگی شماست. با کوشش متحد خود این سند ننگین را از هم بدرید!



# گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر!

دانشجویان! با الهام از خاطره شهیدان خود متحد شوید و مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی و سیاسی خویش را گسترش دهید!

بقیه از صفحه ۱

## زنان و مادران! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت

کنید و آنرا به پیروزی برسانید!

در صورت نبودن هیچ وارث دیگر، شوهر تمام تر که زن متوفای خود را به ارث میرود و زن فقط نصیب خود را (ماده ۹۴۹).

یا در بخش مربوط به اقامت گاه گفته میشود « اقامت گاه زن شوهر دار، اقامت گاه شوهر است » (ماده ۱۰۰۵) و بلافاصله در مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۹ تصریح میگردد که اقامت گاه صغیر و محجور اقامت گاه ولی و یا قیم آنها و اقامت گاه خدمه، اقامت گاه کارفرما و مخدوم آنان خواهد بود. بروشنی پیداست که قانون مدنی زن را تا حد صغیر و محجور و خادم مرد تنزل داده، وی را از داشتن اقامت گاه مستقل محروم نموده است.

در کتاب هفتم قانون مدنی، بخش مربوط به نکاح و طلاق با این ماده شروع میشود: « هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتواند خواستگاری نمود. » (ماده ۱۰۳۴) باید توجه داشت « موانع نکاح » تنها مخصوص زن نیست بلکه مرد نیز باید بهنگام ازدواج خالی از « موانع نکاح » باشد فی المثل اگر داشتن شوهر برای زن از « موانع نکاح » است برای مرد نیز باید داشتن زن از « موانع نکاح » شمرده شود همچنانکه اکنون در تمام کشورهای پیشرفته جهان معمول است.

قانون مدنی در حالیکه یک پسر ۱۸ ساله را عاقل و بالغ و رشید میشناسد و به او اجازه میدهد که هر گاه بخواهد بنا به انتخاب خود ازدواج کند، در ماده ۱۰۴۳ تصریح میکند دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، ازدواج وی متوقف به اجازه پدر یا جد پدری است.

اصطلاح ارتجاعی « زن ناقص العقل است » در اینجا محترمانه پوشش قانونی یافته و در نظر قانونگذار حتی دختر ۲۵ - ۲۶ ساله هم عاقل و بالغ و رشید تشخیص داده نشده تا بتواند بنا به ثوابدید خود ازدواج کند. قانون در حالیکه نکاح مرد مسلمان را با زن غیر مسلمانه مجاز میدانند در ماده ۱۰۵۶ تصریح میکنند: « نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست ». در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر ماده ۱۱۰۵ ریاست خانواده را از خصائص شوهر میدانند و از اینجا بخوبی روشن میشود که قانونگذار اصولاً فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده را درک نکرده است. از نظر وی ازدواج پیوند داوطلبانه زن و مرد، بر اساس علاقه متقابل، بمنظور ایجاد کانون خانواده نیست بلکه ازدواج عرصه ریاست فروشی مرد است. مرد رئیس است و زن مرئوس، مرد حاکم است و زن محکوم و قانون به پشتیبانی از ریاست

شهوترانی مرد است ننگ قوانین ما است. بخشهای مربوط به « حضانت »، « ولایت » و « قیمومت » هر يك بنوبه خود انباشته از موادی به زیان زن و هواداری از مرد است. ماده ۱۰۲۹ در مورد غائب مفقودالثر که زن را تا چهار سال از ازدواج مجدد منع میکند دارای هیچ توجیه منطقی نیست. تسامح واضعین قانون به تصریح در باره تناسب سن زوجین، موجب ازدواجهای بی تناسبی شده است که آنها را باید ازدواج فقر و ثروت نامید. بدین ترتیب دیده میشود که قانون مدنی در بخشهای مربوط به حقوق زن و مرد، جزء بجزء ناقص قانون اساسی و حاکی از عدم توجه واضعین آن بحقوق زن بعنوان عضو متساوی الحقوق خانواده و جامعه است و چون با قانون اساسی در تعارض است. در حقیقت امر، اعتبار قانونی ندارد.

حزب ما نخستین و پیگیر ترین مدافع تساوی حقوق زوجین ایران قدم به عرصه وجود نهاد، با توجه به ظالمانه بودن قانون مدنی، در برنامه خویش « تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی و طلاق » را تصریح نمود. هنگامیکه حزب

توده ایران مسئله تجدید نظر در قوانین ازدواج و طلاق یعنی تجدید نظر در قانون مدنی را عنوان کرد با استقبال پر شور زنان روبرو گردید. تشکیلات دموکراتیک زنان برهبری حزب توده ایران بزودی به مرکز تجمع و تشکل زنان مبارزی تبدیل شد که حاضر باسارت نبودند. از آن زمان تا کنون حزب توده ایران، سازمانهای علنی و مخفی وابسته بان و مطبوعات حزب در هر فرصت از حقوق زن بعنوان انسان متساوی الحقوق دفاع نموده و لزوم تغییر قوانین ارتجاعی را در این زمینه خواستار شده اند، خوشبختانه مبارزه حزب ما در این راه بی ثمر نمانده و امروز کسانی که معتقد به تحول جدی و اساسی در وضع حقوقی زنان هستند فراوانند. حزب ما که گامهای نخستین را در راه بیداری توده زنان و جلب آنان به مبارزه برداشت توانست این تحول فکری را بان درجه از وسعت و حدت برساند که امروز بمثابة نیروی در صحنه اجتماع عرض وجود کنند و خواستار تغییر بی چون و چرای قوانین ارتجاعی گردند. فشار این نیرو و تأثیر شرایط جهانی است که رژیم حاکم را اینجا و آنجا بعقب نشینهایی در مورد زنان مجبور کرده است. اجبار رژیم به تغییر قانون انتخابات و تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان يك پیروزی و جنبش هواداران تغییر قانون مدنی که روز بروز در میان قشرهای مختلف زنان مردان طرفداران بیشتری پیدا میکند طلعه پیروزی دیگر است.

ارتجاع از مواضع خود دفاع میکند  
ایران نوین در تاریخ ۲۳ مهر امسال سمیناری بمنظور بررسی وضع حقوقی زنان تشکیل دادند. نتیجه این بررسی که باید گفت بصورت جامع هم انجام گرفته است بصورت قطعنامه ای به حزب ایران نوین ارائه شد تا حزب برای اجرای مفاد آن از طریق کمیسیون پارلمانی اقدام نماید. جالب توجه است در روزهاییکه سمینار زنان بکار خود سرگرم بود، سازمان زنان ایران به ریاست اشرف ضمن انتشار آگهی کوتاهی در جراید تهران، از انتساب این سمینار به سازمان زنان تبری جست و در حقیقت عدم علاقه خود را تشکیل این سمینار نشان داد. ظاهراً همین آگهی چند طری کار خود را کرد و کمیسیون پارلمانی حزب لااقل تا این تاریخ هیچ گام عملی در راه اجرای توصیه های سمینار برنداشته و آنرا بفراموشی سپرده است.

اخیراً نیز طرحی به ابتکار سناتور دکتر مهرازیگین منوچهریان و باامضاء ۱۷ سناتور تحت عنوان « حقوق زن و مرد » تهیه و بدولت ارائه شد که تظاهر منطقی خواست زنان برای تغییر قانون مدنی است. این طرح نیز که باید قطعاً مورد حمایت و پشتیبانی کلیه افراد، سازمان ها و مطبوعات ملی و مترقی قرار گیرد، با عکس العمل و مقاومت شدید ارتجاع در برابر، دولت، مجلس برخورد نمود. هویدا نخست وزیر از سرکردگان حزب ایران نوین که قاعدتاً باید مدافع قطعنامه پیش گفته باشد و خود پیشقدم در اجرای آن حتی با این طرح که شعاع عمل محدودتری داشت به ضدیت برخاست و آنرا مخالف با « آداب و سنن و رسوم » و مغایر با « مقتضیات ملی » دانست و بجای آنکه بعقب ماندگی افکار خود تأسف بخورد، بحال تهیه کنندگان طرح تأسف خورد. وی بی نام و نشان، به متکرر طرح حمله برده و وی را « تجدید طلب کاذب » خواند. بانو شوکت جهانبانی نماینده منتخب دربار که زنان از وجود او و امثال او در مجلس شرم دارند پس از تبریک تملق آمیز خود بمناسبت تولد شاه، یادآور شد که: « این طرح از حمایت ما زنان مسلمان بهره مند نخواهد گردید » تأسف انگیز است که سایر زنان نماینده نیز بجای آنکه بوظیفه خود عمل نموده دفاع از طرح را که تأمین کننده بخش مهمی از حقوق زنان است برعهده گیرند، احسنت احسنت گویند به تأیید نخست وزیر پرداختند!! نطق بانو جهانبانی و هویدا در مجلس نشانه آشکاری از مخالفت دربار با این طرح بود. شاه خود نیز در مراسم سلام چهارم آبان درصاف زنان نماینده وعده داد که: « در آینده مطابق سنن